

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بررسی نقش زنان در انتقال فرهنگ و آداب و رسوم به نسل‌های بعد

با نگاهی به رمان‌های شوهر آهو خانم (علی محمد افغانی)، سنگ صبور (صادق چوبک) و
جزیره‌ی سرگردانی (سیمین دانشور)

۱- زهرا مهرابی ۲- سید مهدی خیراندیش

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور فارس مرکز شیراز

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور فارس مرکز شیراز

Zahra_mehrabi70@yahoo.com

Kheirandish.1960@yahoo.com

چکیده

یکی از عوامل پایداری بسیاری از آداب و رسوم ایرانی و همچنین انتقال فرهنگ‌ها به نسل‌های بعد، در واقع استفاده از این آداب، رسوم و فرهنگ‌ها در بطن زندگی روزمره است. در ایران، زنان به عنوان بخش مهمی از جامعه، گاهی بیش از مردان در این باره کوشیده‌اند. چه بسیار آداب و رسومی که اگر توسط زنان و به صورت مستمر انجام نمی‌گرفت، تا کنون از بین رفته بود و چه بسیار انگاره‌های فرهنگی که با آموزش مادران به نسل‌های بعد منتقل شده است. ادبیات، همواره یکی از منابع و مراجع مهم، برای مطالعه و تحقیق درباره‌ی فرهنگ عامه بوده است. بسیاری از فرهنگ‌های کهن و آداب و رسوم، در نوشته‌های نویسندگان مختلف، تا کنون به حیات خود ادامه داده‌اند. ادبیات داستانی ایران نیز به سهم خود همواره بخشی از این آداب و رسوم و فرهنگ را در خود جای داده است. در این مقاله که بر مبنای تحقیق کتابخانه‌ای نوشته می‌شود تلاش بر این است که به شیوه‌ی تحلیلی توصیفی نقش زنان در انتقال فرهنگ و آداب و رسوم بررسی و تحلیل بشود. هدف در این مقاله این است که چگونه در طول تاریخ، زنان به عنوان سنگ بنای خانواده‌ی ایرانی، در انتقال دانسته‌های خود به نسل‌های آینده نقشی بسیار مهم ایفا کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: فرهنگ عامه، آداب و رسوم، انتقال فرهنگ، زنان و فرهنگ

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

مقدمه و هدف

درباره‌ی تداوم هر فرهنگ، همواره سوالات مختلفی مطرح بوده است. چگونگی انتقال فرهنگ، به دوره‌های بعد و نسل‌های آینده موضوعی است که ارتباطی تنگاتنگ با حیات آن فرهنگ دارد. بسیاری از آداب و رسوم پس از پشت سر گذاشتن دوره‌های مختلف، ممکن است دگرگون شده و تحت تاثیر عوامل گوناگون تغییر کند. گاهی نیز قسمت‌هایی از این گنجینه‌ی بسیار مهم به علت عدم شناخت و توجه از بین رفته و یا در معرض فراموشی قرار می‌گیرد.

پیشرفت و صنعتی شدن زندگی، در کنار مزایای بی‌شمار خود، موجب کم رنگ شدن بخشی از فرهنگ نیز شده است. برای مثال در گذشته، غذای افراد خانواده، مرحله به مرحله و با دقت و وسواس زیادی در مطبخ خانه‌ها آماده می‌شد. زنان گندم را آرد کرده و نان می‌پختند. به دلیل دشواری نگهداری مواد غذایی، ناگزیر در هر وعده قسمت زیادی از مواد اولیه به صورت روزانه تهیه می‌شد. پیش‌تر وقت بانوان، صرف امور منزل و رسیدگی به نیازهای خانواده می‌شد اما امروزه، غذاهای آماده کار زنان را آسان کرده است. دیگر کمتر بانویی در شهر نان می‌پزد و یا تکه‌های گوشت را خشک می‌کند. در گذشته، تنها زنان طبقات محروم و زحمتکش به انجام فعالیت‌هایی نظیر ریسندگی، بافندگی، پنبه زنی، رنگرزی و غیره می‌پرداختند و زنان طبقات متوسط رو به بالا، خارج نشدن از منزل را نوعی تجمل می‌دانستند. (ستاری، ۱۳۷۳: ۱۲۸) اما امروزه زنان، تمایل بیش‌تری به حضور و فعالیت در جامعه دارند. باور جامعه به اطاعت پذیر بودن زن از مرد، از یک سو و تحولات در جهت افزایش آگاهی، تحصیلات و اشتغال زنان، از سوی دیگر نقش‌های سنتی زن را در هم شکسته و «آن‌چه در جامعه‌ی ما در حال وقوع است، شکل‌گیری تدریجی هویت تازه‌ی زنانه متأثر از تحولات اجتماعی اخیر است.» (باقریان، ۱۳۸۷: ۲۳۶)

اگر همین مثال به ظاهر ساده را بررسی کنیم متوجه نقش صنعت و پیشرفت زندگی در حیات فرهنگ غذایی سنتی ایرانی خواهیم شد. مادران، همواره در انتقال دانش عامه‌ی خود و آموزش رسوم و فرهنگ به فرزندان‌شان تلاش می‌کنند. البته در گذشته، با توجه به نوع زندگی، این تلاش‌ها بیش‌تر دیده می‌شد. انتقال فرهنگ شفاهی عامیانه، تا زمانی که نوزاد در آغوش مادر رشد می‌کند، توسط مادران انجام می‌شود و پدر در انتقال این بخش از فرهنگ شفاهی نقشی ندارد. (وجدانی، ۱۳۸۷: ۹۸)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

عمده‌ی این آموزش‌ها، از طریق مادر به فرزند دختر منتقل می‌شد زیرا یکی از ملاک‌های زندگی زناشویی موفق این بود که دختران در منزل پدر و قبل از ازدواج به درستی آموزش دیده باشند. زنان همواره محور این رشته‌ی یادگیری فرهنگ و آداب و رسوم بودند. در این مقاله منظور از فرهنگ‌ها، آداب و رسومی است که زنان در نگه داری حیات و احیای آن نقشی پررنگ‌تر از مردان دارند. ادبیات داستانی ایران، شاهدی بر این حضور و حتی فداکاری بانوان ایرانی در تداوم هر چه بیش‌تر و بهتر فرهنگ و آداب و رسوم است.

به نظر می‌رسد در هر جایی از جامعه‌ی امروز، رسم و یا آیین فرهنگی در معرض نابودی یا فراموشی بوده این بانوان بوده‌اند که به عنوان حلقه‌ی اتصال با حضور خود، مانع فروپاشی آن رسم و آیین شده‌اند. مادران بازی‌های کودکانه را به فرزندانشان یاد می‌دهند و کودک با نگاه کردن به مادرش رقص و شادی را فرا می‌گیرد. ادبیات داستانی ایران و آثاری که برگرفته از زندگی است، با وام‌گیری از عناصر و پدیده‌های زندگی روزانه‌ی مردم، فضای داستان‌ها را باورپذیرتر می‌کند.

در این مقاله، با نگاهی به رمان‌های شوهر‌آهو خانم (علی محمد افغانی)، سنگ صبور (صادق چوبک) و جزیره‌ی سرگردانی (سیمین دانشور)، سعی شده است نقش زنان در تداوم مؤلفه‌های فرهنگی و همچنین زنده نگه داشتن آداب و رسوم ایرانی و در نهایت انتقال آن به نسل‌های پس از خود، بررسی شود.

تئوری و پیشینه‌ی تحقیق

فرهنگ و آداب و رسوم به عنوان مقوله‌های اجتماعی برگرفته از زندگی روزمره است و به تناسب تنوع قومی در ایران، فرهنگ‌های متفاوتی هم وجود دارد. زنان به عنوان بخش بزرگی از جامعه، روایتگر و گسترش دهنده‌ی بسیاری از آداب و رسوم و مولفه‌های فرهنگی به حساب می‌آیند. از دیگر سو ادبیات به شکل بستری برای نمایش هر چه بهتر این نقش‌آفرینی، همواره حضور زنان را به طور آشکار نمایان ساخته است و از این رهگذر حضور و خدمات بسیاری از بانوان ایرانی در زمینه‌های فرهنگی از لابه‌لای سطرهای متون ادبی دیده می‌شود.

تا کنون پژوهش‌های بسیاری درباره‌ی زنان و نقش آنان در فرهنگ انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

صالحی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان جایگاه اجتماعی زنان در رمان‌های «شوهر آهو خانم» و «ذاکره الجسد»، به بررسی جایگاه زنان در این دو رمان پرداخته است. او واقعیت‌های زندگی زنان را در جامعه‌ی ایرانی و الجزایری با هم مقایسه می‌کند. در این تحقیق، حقوق و جایگاه زنان در مسایلی مانند: تحصیل، کار

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

خانگی و محرومیت از حقوق زنان بررسی شده است و نقاط مشترک این یافته‌ها، نشان از ثبات برخی از دغدغه‌ها در میان زنان ایران و الجزایر دارد.

حیاتی و همکاران (۱۳۹۶)، در بررسی تاثیر اصل حریم زنان بر معماری خانه‌های ایرانی بر اساس آموزه‌های اسلامی، از اهمیت و نقش زنان در سبک معماری خانه‌ها سخن گفته‌اند. در این تحقیق با مطالعه‌ی نوع معماری خانه‌های ایرانی پس از اسلام، اهمیت اصل حریم بانوان خانه نشان داده شده است و معماری این دوره، با رویکردی زن محور و خانواده محور معرفی شده است.

عواطفی همت و بازگیر (۱۳۹۶)، نیز در تحقیقی تحت عنوان دانش بومی زنان ایل پایی شهرستان خرم آباد، به بررسی دانش بومی زنان در ساخت دست‌سازه‌هایی از پوست دام می‌پردازند. در این تحقیق آمده است که زنان دو نوع مشک برای نگهداری دوغ و آب تهیه می‌کنند. در نتیجه‌ی این تحقیق، آمده است که زنان این ایل، از دیرباز، با یک روش خاص و با استفاده از ابزار و لوازم یکسان اقدام به تهیه‌ی این صنایع دستی پرداخته‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق در مقاله‌ی حاضر، روش کتابخانه‌ای است و جامعه‌ی بررسی شده، تعدادی از شخصیت‌های زن در رمان‌های مذکور هستند.

بحث و نتایج

رمان شوهر آهو خانم، با شخصیت پردازی دقیق، چهره‌ای متمایز از زنانی نظیر آهو و هما نشان می‌دهد. هر جا اثری از فرهنگ و آداب و رسوم در این رمان وجود دارد، ما با چهره‌ی یکی از زنان داستان مواجه می‌شویم و این مساله را می‌توان به منزله‌ی یکی از دلایل اهمیت زنان در تداوم مولفه‌های فرهنگی در نظر گرفت. زنانی که در طول روز، فرهنگ عامه را، زندگی می‌کنند. لباس‌ها، غذاها، صحبت‌ها و دوره‌می‌های زنانه، مراسم و جشن‌ها و غیره، همگی مرهون تلاش زنان خانه است. نویسنده در این رمان به خوبی مخاطب را با جنبه‌ی حقیقی زندگی مواجه می‌کند و همین داستان را باورپذیر کرده است. از سویی می‌توان این‌طور برداشت کرد که قهرمان داستان یک زن (آهو) است. ستون اصلی این رمان در واقع رابطه‌ی «سید میران»،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

با دو زن است که اولی مادر فرزندان اوست و دومی معشوقه و همسر دومش. در متون فارسی معمولاً همسر رسمی اول کدبانو است و همسر دوم (همسر دیگر)، اهل غنا و طرب. (ستاری، ۱۳۷۳: ۱۳۲)

حال آن که با تمام سختی‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی آهو همچنان به نقش مادری و همسری خود ادامه می‌دهد. او، به عنوان مادری که یک دختر دارد، همواره می‌کوشد تا به او راه و رسم خانه‌داری و همسرمداری را بیاموزد. او به فکر تهیه‌ی جهیزیه برای دخترش «کلارا» است. از زمان‌های دور در فرهنگ ایرانی، مادران معمولاً بهترین و زیباترین لوازمی که خودشان داشتند را همراه جهاز دخترشان می‌فرستادند. اگر جهیزیه‌ی دختر کامل نبود و خانواده نمی‌خواست کسی از اقلام آن باخبر شود بعد از اذان صبح جهیزیه را می‌فرستادند، اما اگر چنین نبود حتی ممکن بود از محله‌های دیگر هم برای دیدن جهاز بیایند. (کتیرایی، ۱۳۷۸: ۱۹۸)

«هر وقت می‌شنید از در خانه، یا حتی دورتر از آن، سر خیابان، جهاز می‌بردند، مانند هر زن یا دختر دیگر چادر روی سرش می‌انداخت و سر از پا نشناخته به تماشا می‌رفت تا ببیند خونچه‌ها چند تاست، در آن‌ها چیست و بخت عروس ظاهراً در چه کفه‌ای است.» (افغانی، ۱۳۹۷: ۵۲۹)

نوع رابطه‌ی بین آهو و هوویش «هما»، او را به انجام کارهایی نظیر، نذر، طلسم و توسل به جادو و او می‌دارد تا شاید بتواند زندگی بر باد رفته‌اش را به شکل سابق برگرداند. انسان نیازمند، از دیرباز در جست و جوی راهی برای ارتباط با نیرویی ماورایی بوده است که او را در شرایط حساس و موقعیت‌های خطیر، یاری کند. او همواره برای جلب رضایت این نیرو تلاش کرده است. در طی دوران گذشته تا امروز، این احساس نیازمندی، به شکل‌های گوناگون، خود را نشان داده است. انسان در جست و جوی این راه ارتباطی، کوشیده است تا در مقابل کمک او، کاری انجام دهد تا او را راضی کند. نذر و قربانی به عنوان داد و ستدهای معنوی، همواره راهی برای ایجاد ارتباط و برآورده شدن خواسته‌ای بوده که معتقدیم تنها قدرت پروردگار می‌تواند آن را برآورده کند.

«با خدای خود عهد کرد که در صورت شفای کودکش موی او را تا هفت سالگی نگه دارد و هم وزنش نقره‌ی خالص نذر امام رضا بکند.» (افغانی، ۱۳۹۷: ۵۵)

«یکی از همین روزها برای این که دلت باز بشود با هم به بقعه‌ی سید فاطمه می‌رویم. آن جا ریگی می‌چسبانی و مرادی می‌طلبی.» (همان: ۲۰۹)

«نذر کردم که اگر بچه‌ام خوب بشود هم وزن موهای سرش تا هفت سالگی نقره بخرم و هدیه‌ی ضریح امام بکنم.» (همان: ۶۲۲)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

«یک گوسفند و یک سفره‌ی بی بی سه‌شنبه نذر کرد که شوهرش با طلاق هما هر چه زودتر پشیمان و عذر خواهان به سوی وی بازگردد.» (همان: ۳۹۵)

«خودم هم برای او یک آجیل مشکل گشا نذر ام‌النبی کرده‌ام.» (همان: ۵۲۸)

«می‌گفتند ارباب باید گوسفند سرش بکشد.» (همان: ۵۸۰)

«اووختا، وختی از خونه‌ی حاجی مسلم و اسمون گوشت قربونی می‌آوردن، ماه حاجیون بود. شبای عید قربون، بره‌ها رو که خریده بودن می‌آوردن میسن تو حیاط جلوشون پوس هندونه می‌ریختن. بسه زبونا تا صب که قصاب می‌اومد می‌بع بع می‌کردن.» (چوبک، ۱۹۹۰: ۹۳)

در این مثال‌ها نیز تداوم قسمتی از فرهنگ دیده می‌شود. نذر، قربانی و توسل به نیروهای معنوی، هنوز هم به طور قابل توجهی در فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی دیده می‌شود و این رسوم از مادران و زنان ایرانی به نسل امروز منتقل شده است.

آداب سفر کردن نیز در یکی از قسمت‌های رمان «شوهر آهو خانم» به زیبایی و با جزئیات آورده شده است. در این بخش از رمان با این که «سید میران» به سفر می‌رود و «آهو»، برای همسرش آتش پشت پا می‌پزد. پختن آتش پشت پا، یکی از رسومی است که امروزه نیز زنان ایرانی آن را به جا می‌آورند و در واقع نوعی صدقه برای سلامتی و زودتر بازگشتن مسافر است. سه روز و یا هفت روز بعد از حرکت مسافر، این آتش، که معمولاً آتش رشته است، می‌پزند. (هدایت، ۱۳۳۴: ۴۷)

«سه روز بعد آتش پشت پا پخت و به همسایه‌ها داد.» (افغانی، ۱۳۹۷: ۸۰)

مردان، زمان کافی برای کمک به زنان، در کارهای خانه ندارند و اگر زمانی داشته باشند، فرهنگ مرد سالار، آن‌ها را از کمک به همسرانشان باز می‌دارد. بنابراین، حضور زن ایرانی به عنوان یک عنصر حیاتی و اساسی برای تداوم فرهنگ عامه بسیار مهم است. گرچه امروزه نوع زندگی تغییرات زیادی داشته است اما باز هم دختران جوان، اغلب، راه و رسم خانه‌داری، ازدواج، تربیت فرزندان و سایر مولفه‌های فرهنگی را از مادران خود می‌آموزند.

زنان فرهنگ را در جامه‌های خود حمل کرده و آن را به زنان پس از خود می‌رسانند. نوع پوشش هر زن در واقع به نوعی فرهنگ زیبایی است که هر طرح و رنگ آن معنایی ویژه را در دل دارد. لباس‌های محلی و بومی هر منطقه بیش‌تر توسط بانوان دوخته می‌شود. اصیل‌ترین پوشش‌های ایرانی لباس‌های محلی است که از گذشته‌های تاریخی با تغییراتی هرچند اندک در جزئیات و حفظ شکل کلی به دست ما رسیده است. در بخشی از رمان «شوهر آهو خانم» یکی از لباس‌های زنان گرد به شکلی زیبا توصیف شده است:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

«نیمتنه‌ی گلابتون، سربند شرابه دار با کلاه مخملی زردوزی شده، شلوار پاچه تنگ مخصوص و خلخال‌های زیبای نقره، این‌ها بود چیزهایی که او پوشیده بود و همه می‌دانستند یادگار دوران عروسی آهو بود و چون به تنش کمی کوچک شده بود آن را کنار گذاشته بود.» (افغانی، ۱۳۹۷: ۳۵۹)

رمان سنگ صبور، با ارائه فضایی سیاه که در طول رمان و در تمام صحنه‌ها و حوادث قصه احساس می‌شود کم‌تر مجال برای پرداختن به نقش زنان در تداوم فرهنگ دارد. شخصیت‌های داستان تا اندازه‌ای درگیر مشکلات خود هستند و نویسنده تنها در چند قسمت از رمان، به موضوع فرهنگ توجه کرده است. در این رمان نیز به موضوع «نذر کردن» به عنوان یکی از آداب مرسوم میان زنان اشاره شده است. «گوهر» و «بلقیس»، هر کدام برای رسیدن به خواسته‌هایشان نذر می‌کنند:

«نذر کرده بود که اگر بچه پسر باشه، یه سالش که شد ببرش کربلا زیر ناودون طلا ختنش کنه و موهای سرش رو بتراشه و هم وزنش طلا بده به فقیر بیچاره‌ها.» (چوبک، ۱۹۹۰: ۶۹)

«یا شاه چراغ، اگر مرادم بدی یه دسه شعم نذرت می‌کنم.» (همان: ۳۵)

آداب پس از زایمان زن برای جلوگیری از این که «آل» جگر او را ببرد و زن بمیرد توسط «جهان سلطان» که خدمتکار گوهر بوده است بیان می‌شود و این موضوع ما را به یاد داستان «آل» نوشته‌ی محمد بهمن بیگی می‌اندازد. کارهایی که برای دفع آل انجام می‌شود تقریباً مشابه هم هستند. به طور کلی اعتقاد به حضور آل، عقیده‌ای فراگیر بوده است و هنوز هم در نقاطی از ایران، مانند محله‌ی قصردشت شیراز، این اعتقاد پابرجاست.

«نیل آوردم خودم رو دیوار چپ و راس کشیدم. هنوزم تو اتاق رو به قبله‌ای نشونی که خودم با نیل واسیه کاکل زری کشیدم هس.» (چوبک، ۱۹۹۰: ۹۴)

همانطور که در رمان «شوهرآهو خانم»، به موضوع جادو اشاره شد، در رمان «سنگ صبور» نیز به این موضوع پرداخته شده است. به نظر می‌رسد در هر دوی این رمان‌ها در واقع شخصیت‌های زن هستند که به این موضوع توجه دارند. همچنین هر دوی این رمان‌ها، واقع‌گرا و برگرفته از زندگی مردم عادی است که در نتیجه می‌توان گفت زنان در واقعیت به نحوی نقش بیش‌تری در انتقال آدابی همچون طلسم و جادو و حتی نذر و از این قبیل، به دوره‌های بعد از خود دارند:

«اینقده جادو و جنبل و سیاهی واسم کردن و خاک قبرسون و پیه‌گرگ و گراز و آب مرده شور خونه و اسخونای مرده تو دس و بالم ولو کرده بودن که دیگه از جونم سیر شده بودم.» (چوبک، ۱۹۹۰: ۶۷)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

«آیا مشاطه جدید او که روی قرآن می‌زد و می‌گفت هما در پنهان، با مالیدن پیه گرگ توی کفش یا به بدنش او را در چشم شوهر، سیاه و چون گرگ منفور کرده است درست حدس نزده بود؟» (افغانی، ۱۳۹۷: ۴۶۸)

«پشت و روی طلسم عجیبی را که گویی دست را می‌سوزاند و بیش تر از لوح محفوظ برای او ارزش داشت به دقت از زیر نظر گذراند. بر روی یک روی آن هیکل بی قواره و بدبار آدمی دیده می‌شد به شکل جن، با چشم‌های وق زده، موهای جارویی، دست‌های شش انگشتی، که مثل طناب دار نخی به گردنش بسته شده بود و ظاهراً زن بود. دورادور عکس در حاشیه‌ای دایره شکل، اعداد درهم و برهم و ریز، و روی شکم آن مانند جمله‌ی «لااله الاالله» که بر جام چهل کلید نویسند کلماتی نوشته شده بود که آهو به علت نداشتن سواد از خواندن آن‌ها معذور بود.» (همان: ۷۳۴)

«این طلسم، موقعی کارگر می‌شد (هوم، کارگر...) که با مخلوطی از خمیر و چرک تن محبوبه پوشانده شده و مدت چهل شب در محل سایه زیر خاک مدفون می‌شد و باطلش لوح مستفاد بود که در یک هفته آن زن را گم و گور می‌کرد.» (همان: ۷۳۵)

«لوح برنجی، آن طور که دعانویس زیر درخت گردو تعریف کرده بود، طلسم مهر و محبت و برای مهر و محبت و برای نرم کردن و جلب زنی بالا بلند و کمر باریک، شوخ چشم و عذر پیشه، فتنه‌گر و آشنا که نان و نمک او را خورده بود. البته طلسم پهلوی دعانویس مانده بود تا به استعانت استاد، که معلوم نبود که بود و کجا می‌زیست، حروف ابجد پشت آن را بخواند و به خط درآورد.» (همان)

البته، این که نقش زنان در انتقال مقوله‌های فرهنگی به مسایلی از این دست، در این مقاله، نزول کند، بیش تر به علت زمان اتفاق افتادن داستان‌ها و همچنین جامعه‌ای است که این دو نویسنده آن را در رمان‌های خود منعکس کرده‌اند. دهه‌ی چهل، در واقع آغاز زمانی است که زنان از پستوی خانه‌ها به جامعه هجرت می‌کنند و این شروعی برای تولد دوباره‌ی زن و نقش‌های جدید اوست. البته پیش از آن نیز شرکت زنان در حرکت‌های ملی- مذهبی این ذهنیت را در زنان ایجاد می‌کرد که می‌توانند به عنوان یک گروه اجتماعی بپر قدرت، وارد میدان جامعه شوند. (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۳: ۳۵)

از دیگر آدابی که مخصوصاً برای کودکان و نوزادان استفاده می‌شد و هنوز هم در فرهنگ مردم مشاهده می‌شود انجام کارهایی برای جلوگیری از حوادث ناخوشایندی است که ممکن است اتفاق بیفتد. استفاده از حرز، دعا و سنگ‌های مخصوص، جهت این کار در رمان سنگ صبور و همچنین رمان شوهر آهو خانم آورده شده است. در هر دوی این رمان‌ها، زنان این کار را بر عهده دارند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

«خودم با دس خودم واسش خشت بسم، رختکاش رو آوردم، نظر قربونی و چل بسم الله و بین و بترک و
چش باباقوری و دندون گرگ و نمک تبرزه و ک. . گفتارواسش بند کرده بودم و حاضر و آماده گزوشته بودم
که بندازم گردنش.» (چوبک، ۱۹۹۰: ۹۴)

«کرم، با دیلم قبر کوچکی کند و حمید رو با رخت و چل بسم الله تو گردنش و انگوی فولادی که برای نظر
قربونی تو مچ دستش بود گزوشته تو قبر.» (همان: ۲۳۱)

«جلوی سینه اش برای حفاظت از چشم بد یک رشته مهره و گچی سبز، و سرشانه اش دستمال سفید و
تمیزی سنجاق شده بود.» (افغانی، ۱۳۹۷: ۳۱)

«روی بازوی راستش لوله‌ی چرمی دعا و قرآن قاب نقره‌ی کوچک و حمایل سینه اش چپ و راست دو چل
بسم الله دیده می‌شد.» (همان: ۵۵)

رمان «جزیره‌ی سرگردانی»، تناقضی بین زن سنتی و زن تجددخواه ایرانی است. اغلب شخصیت‌های
زن داستان، در عین رویکرد روشنفکرانه‌ای که سعی در تظاهر به آن دارند، همچنان مانند پروانه‌ای هستند
که نیمی از نشان در پیله‌ی سنت گیر کرده است. «هستی» شخصیت اصلی داستان، دختری روشنفکر است
که گاهی در مواجهه با موقعیت‌های مختلف چهره‌ی دیگری را از خود نشان می‌دهد البته نویسنده‌ی رمان،
«سیمین دانشور»، همواره با روش مخصوص به خود در آثارش بین سنت و مدرنیته آشتی برقرار کرده و هر
گونه پیشرفت و تجدد، آگاهی اجتماعی و توسعه را در صورتی که در تعامل با سنت و مذهب و فرهنگ ایرانی
باشد می‌پذیرد. (مرادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۵)

یکی از کارهای مهمی که بانوان ایرانی پیش از سال نو انجام می‌دهند سبز کردن سبزه‌ی عید است، که
از حبوبات مختلف و شاید آن گونه که در گذشته باب بوده است از هفت یا دوازده دانه‌ی خوراکی، می‌رویند.
در مناطق جنوبی‌تر ایران مخصوصاً شیراز، مردم ساقه‌های سبز چمن یا قصیل را می‌آویزند و نیز از دو هفته
قبل کوزه و بشقاب را با عدس و گندم و غیره سبز می‌کنند. (تمیم داری، ۱۳۹۴: ۲۵۷)

در درخشان‌ترین یادبود و احیای فرهنگ دررمان جزیره‌ی سرگردانی، شخصیت «هستی»، به عنوان
کسی که قرار است ترتیب یک مراسم نوروز بی‌نظیر را بدهد از همه پررنگ‌تر است. او با وسواس خاصی
سعی دارد همه‌ی آداب مربوط به سفره‌ی هفت سین ایرانی را آن‌طور که هست آماده کند.

«سبزه علامت وفور نعمت و باروری است. سمنو از جوانه‌ی گندم آماده می‌شود و می‌دانید که گندم
مقدس‌ترین گیاهان است. اولین غذایی است که آدم خورد.» (دانشور، ۱۳۹۵: ۱۲۸)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«به سنجد اشاره کرد و ادامه داد: شکوفه‌ی سنجد محرک دلباختگی است که به زاینده‌گی می‌انجامد. نمادی است از زاینده‌گی کیهانی. اگر در بهار زیر درخت سنجد بایستید، بوی اسپرم می‌شنوید.» (همان: ۱۲۹)

تقریباً تمام مراسم نوروز ایرانی از قبل تا بعد از نوروز بر دوش زنان است. آن‌ها خانه‌تکانی می‌کنند، سبزه می‌رویند، سفره‌ی هفت سین پهن می‌کنند، لوازم پذیرایی از مهمانان را مهیا می‌کنند، برای سبزه به در غذا می‌پزند و سرانجام با دست خود سبزه‌ی عید را به دست آب می‌سپارند. یکی از مهم‌ترین علت‌های حیات این عید باستانی، زنانی هستند که با شور و شوق و از سر محبت، عید را به کام خانواده شیرین می‌کنند:

«زن‌ها روزی را برای خانه‌تکانی، یا به اصطلاح محل، دوده‌گیری تعیین کردند. در آن روز از سر صبح چادرها را به کمر بستند، موها را در دستمال پیچیدند، تمام اسباب‌دو اتاق را بیرون ریختند. قالی‌ها را، که همه تیکه تیکه بود به کمک نقره و خورشید خانم تکاندند. شیشه‌ها را تمیز کردند. پشت دری‌ها و چینی‌آلات را شستند. در و دیوار اتاق‌ها را گردگیری کردند.» (افغانی، ۱۳۹۷: ۲۸۵)

غذا و گیاهان دارویی، به عنوان بخش بزرگی از فرهنگ، نقش موثری در زندگی مردم هر سرزمین دارد. کودک، از فرهنگ خود می‌آموزد که مصرف غذا جهت ادامه‌ی زندگی لازم است. فرهنگ به او می‌آموزد که چه احساسات، معتقدات و نظرهایی نسبت به غذا و مصرف غذاهای گوناگون داشته باشد. (فروزانی، ۱۳۵۴: ۳۳)

مادر به عنوان اولین الگوی رفتاری فرزند و منبعی برای کسب آگاهی و دانش زندگی وی محسوب می‌شود. او می‌کوشد نیازهای فرزندانش را برطرف کند و همواره به خوراک و پوشاک آن‌ها توجه می‌کند. نوع غذای هر خانواده، به محیط زندگی، تمکن مالی، دوری و نزدیکی به منابع غذایی و عواملی از این دست بستگی دارد. تهیه‌ی بهترین غذا از منابع در دسترس، هنر مادران فداکار است که می‌کوشند طعم لذت بخشی ساخته و کام افراد خانواده را شیرین کنند. در ایران، تهیه‌ی غذا همواره با نام مادر و زن مأنوس بوده است. زنان در شهرها و روستاهای مختلف، غذاهای متنوعی تهیه کرده و نوع آماده‌سازی آن را در اکثر مواقع به فرزندان دختر خود که مادران آینده هستند، آموزش می‌دهند. در رمان‌های مذکور، شخصیت‌های زن آشپزی می‌کنند و کم‌تر می‌بینیم که مردی در امور مربوط به آشپزی دخالت کند:

«به صدای سر رفتن دیزی، آهو خود را شتابان به آشپزخانه رسانید.» (افغانی، ۱۳۹۷: ۳۵۶)

«آش رشته، کشک و بامجان، کله پاچه یا کوفته سماق، از غذاهایی بود که چه‌ها در کار به او کمک کرده، چه نکرده بود، با سخاوتمندی و گذشت یک بانوی حقیقی، سهم آن دو را به اتاقشان می‌فرستاد.» (همان: ۴۳۳)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

«بشقاب دمپخت را، که گوشت لایش گذاشته بود، با نان و نمک در سینی گذاشت و به دست دختر داد تا برای هما ببرد.» (افغانی، ۱۳۹۷: ۲۴۵)

«کچی واسش پختم. نیل آوردم خودم رو دیوار، چپ و راست کشیدم.» (چوبک، ۱۹۹۰: ۹۴)

«هستی خانم، قد و بالایت را بنازم، امشب بمان، برای خانم آس شلغم تیار کرده‌ام.» (دانشور، ۱۳۹۵: ۵۴)

درفرنگ ایرانی اولین پزشک خانواده مادر است. زمانی که یکی از اعضای خانواده بیمار می‌شود، او با اتکای به عشق مادری و دلسوزی مادرانه و به کمک دانش گذشتگان و با بهره‌گیری از تجربه‌هایی که کسب کرده است، سعی در بهبود بیمار دارد. استفاده از داروهای گیاهی مناسب برای درمان بعضی از دردها و بیماری‌ها نیز، از جمله کارهایی بوده و هست که مادر خانواده آن را بر عهده دارد. نمونه این نوع درمان خانگی بیش‌تر در رمان جزیره‌ی سرگردانی دیده می‌شود. البته این که «سیمین دانشور» خود از مردم فارس است در این موضوع بی‌تاثیر نیست زیرا دشت‌ها و کوه‌های استان فارس سرشار از انواع گیاهان دارویی و مفید است و مردم این استان از داروهای گیاهی و درمان‌های وابسته به آن استفاده‌های بسیاری می‌کنند. در یکی از صحنه‌های داستان، که خود «دانشور»، به عنوان یکی از شخصیت‌های داستان حضور دارد، از این درمان‌های خانگی بهره می‌برد:

«برای اسهال، دم کرده‌ی آویشن شیرازی یا عرق نعناع، و برای یبوست آب آلبالو و شیرخشت و انجیر خیسانده تجویز می‌کرد.» (دانشور، ۱۳۹۵: ۱۰۰)

« هستی زنگ زد و به مستخدم دستور داد که برای استاد گل گاوزبان... حرفش را اصلاح کرد و گفت: ترش و برای همه چای بیاورد که مستخدم چشم در چشم مراد دوخت و ابروهایش را بالا برد.» (همان: ۱۷۹)

«گل گاو زبان و سنبل الطیب و نبات در خانه هست؟..... بود.» (همان: ۳۰۶)

در رمان شوهر آهو خانم نیز، نویسنده از این بخش از فرهنگ عامه، بهره برده است. در این رمان نیز زنان از داروهای خانگی استفاده می‌کنند:

«برای وی با دلسوزی یک خواهر بزرگ‌تر گل گاو زبان دم می‌کرد.» (افغانی، ۱۳۹۷: ۴۹۳)

«دم کرده‌ی گل بابونه و رازیانه و حتی جوش شیرین نیز افاقه به حال وی نکرد.» (همان: ۵۰۲)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نتیجه گیری

زندگی هر زن، به نوعی بیانگر فرهنگ عامه‌ی ایرانی است که در روح هر خانه جریان می‌یابد. خوراک، پوشاک، آداب، مراسم، جشن‌ها، اعتقادات و خرافات، همگی بخش‌هایی از بدنه‌ی فرهنگ یک جامعه را تشکیل می‌دهد. یک زن از زمانی که از خواب برمی‌خیزد، در میان این خرده فرهنگ‌ها و آداب قدم می‌زند. از غذایی که می‌پزد تا لباسی که می‌شوید و فرزندش را که بزرگ می‌کند، همگی نتیجه‌ی نوع فرهنگی است که در آن زیسته است. یک زن اولین معلم، اولین پزشک، اولین نگهبان و اولین الگوی یک کودک است. لایه‌ی یک مادر که ممکن است سالیان سال در ذهن فرزندانش باقی بماند، قدمی در جهت احیای ادبیات و فرهنگ شفاهی است. در ایران، جلوه‌های این نوع از مشارکت زنان، در بسیاری از رمان‌ها دیده می‌شود. فضای رمان‌های «سنگ صبور»، «شوه‌ر آهو خانم» و جزیره‌ی سرگردانی، با فعالیت‌های شخصیت‌های زن، رنگ و بوی واقعی‌تری به خود گرفته است. نویسندگان این رمان‌ها با علم به سهم عمده‌ی زنان، در انتقال فرهنگ به نسل‌های بعد از خود، به خوبی از این واقعیت بهره برده‌اند. آنان از زنان به عنوان پیشگامان انعکاس فرهنگ و آداب و رسوم استفاده کرده‌اند تا بر ذهن مخاطبانی که به این مساله اشراف دارند، تاثیر بیش‌تری داشته باشند.

منابع

- افغانی، علی محمد (۱۳۹۷)، شوه‌ر آهو خانم، چاپ سی‌ام، تهران: نگاه.
- باقریان، فاطمه (۱۳۸۶)، رشد هویت زنان ایران، زن و پژوهش (مجموعه مقالات)، تهران: دانشگاه تهران، صص ۲۳۲-۲۵۳.
- تمیم داری، احمد (۱۳۹۴)، فرهنگ عامه، چاپ پنجم، تهران: مهکامه.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۳)، رویای ایرانیان با فمینیسم (از فمینیسم ایرانی تا فمینیسم جهانی)، معرفت، سال بیست و سوم، تیر، شماره ۱۹۹، صص ۳۱-۴۸.
- چوبک، صادق (۱۹۹۰)، سنگ صبور، لس آنجلس: شرکت سهامی کتاب (بوک کریپشن).
- دانشور، سیمین (۱۳۹۵)، جزیره‌ی سرگردانی، چاپ پنجم، تهران: خوارزمی.
- ستاری، جلال (۱۳۸۸)، سیمای زن در فرهنگ ایران، چاپ پنجم، تهران: مرکز.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- فروزانی، مینو (۱۳۵۴)، فرهنگ تغذیه، دانشکده، سال اول، بهار، شماره‌ی دوم صص ۳۲-۳۶.
- کتیرایی، محمود (۱۳۷۸)، از خشت تا خشت، تهران: ثالث.
- مرادی، روزبه و زندی، بهمن و غیاثیان، مریم سادات (۱۳۹۷)، بررسی جامعه شناختی رمان‌های جزیره‌ی سرگردانی و کولی کنار آتش، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، فصل‌نامه‌ی علمی- پژوهشی، سال نهم، تابستان، شماره‌ی دوم صص ۱۲۳-۱۴۹.
- وجدانی، بهروز (۱۳۸۷)، لالایی، موسیقی نقش زن در انتقال فرهنگ شفاهی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۲ صص ۹۸-۱۰۴.
- هدایت، صادق (۱۳۳۴)، نیرنگستان، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.